

شیخ شیر محمد همدانی، خدمتگزار صادق میراث شیعه

جويا جهانبخش*

چکیده

شیخ شیر محمد بن صفر علی بن شیر محمد جورقانی (زاده ۱۳۰۲ هـ. ق در قریه جورقان - واقع بر یک فرسخی همدان - در گذشته ۱۳۹۰ ق در نجف) یکی از علما و اعلام بزرگ امامیه است که عمر شریف خود را در پاسداشت میراث مکتوب شیعه و استنساخ و احیای آن مصروف داشت. وی مقدمات و مبادی علوم را نزد شماری از علمای همدان آموخت. در سی و شش سالگی به نجف اشرف کوچید و در محضر عالمان آن روزگار نجف اشرف همچون آیه الله شیخ ضیاء الدین عراقی، آیه الله میرزا حسین نائینی، شیخ مهدی مازندرانی و... حضور یافت و حظی وافر از علوم دینی اندوخت و به درجه اجتهاد رسید. وی به رغم آنکه دانش آموخته فقه و اصول به شمار می‌رفت و در این دو فن دانش عمیق داشت، این علوم را و نهاد و به احیای میراث حدیثی و عقائدی پرداخت. شیخ شیر محمد به درستی دریافته بود که در مفقود و نابود شدن کثیری از متون قدیم، عوامل مختلفی دخالت داشته و یکی از مهم‌ترین

*. پژوهشگر میراث اسلامی.

این عوامل، جمود حرکت استنساخ است. او با درک این موضوع به قصد حفظ و صیانت میراث علمی و حدیثی شیعه، به جستجوی نسخه‌های خطی ارزشمند می‌پرداخت و هر جا به چنین نسخه‌هایی باز می‌خورد، در صورت امکان، به استنساخ و تحقیق آنها دست می‌یازید. بدین ترتیب، افزون بر پنجاه سال از عمر شریف خود را مصروف بازجستن و رونویسی و احیاناً مهیای طبع ساختن کتب نفیس قدما و نسخه‌های خطی نادر داشت. آثار شیخ شیر محمد جورقانی همدانی بر دو قسم‌اند: یک قسم آنچه خود تألیف کرده، و قسم دیگر آنچه به قصد حفظ و احیای میراث پیشینیان به دست خویشان استنساخ کرده است.

کلید واژه: شیر محمد همدانی، استنساخ، تصحیح، میراث شیعه.

۱. بسیاری از عالمان و اعلام امامیه در پاسداشت میراث مکتوب شیعه و احیای آن کوشیده‌اند تا این میراث چونان پشتوانه‌ای توانگر و سرمایه‌ای سرشار، مسلمانان را در حال و آینده و در جوانب مختلف حیاتشان یار و مددکار باشد.

عَلَمَةٌ نَسَّأَخَهُ، شیخ شیر محمد همدانی جورقانی نجفی - أَعْلَى اللَّهِ مَقَامَهُ الشَّرِيف - یکی از این بزرگان است که عمر شریف خود را در این راه مصروف داشت و اوقات عزیزش مستغرق در تألیف و گزینش و استنساخ در حوزه تراث بود.

نام شیخ شیر محمد جورقانی همدانی - رضوان الله تعالی علیه - را بارها در نوشتارهای تراث پژوهانه علامه سید محمد حسین حسینی جلالی - أَدَامَ اللَّهُ إِجْلَالَهُ - دیده بودم، و - خاصه پس از آنکه شمه‌ای از اوصاف شیخ فقید را مشافهه از مشارٌ الیه شنیدم - مشتاق بودم نقد حالی از این خادم بزرگ و تقریباً پوشیده نام تراث شیعه بینم و بخوانم.

اینکه می‌گویم: «تقریباً پوشیده نام»، از آنجاست که هر چند خواص اهل فضل و فضیلت او را می‌شناسند و از مشارکت عظیم و مساهمت کم‌نظیر وی در صیانت و احیای متون قدیم شیعی باخبراند، با هزار افسوس و دریغ، اکثر هم‌نشینان قلم و قرطاس و غالب مدعیان احیای تراث، از حق بزرگی که او برگردن یک یک ما دارد، غافل، بل به کلی از کار و بار و روزگار وی بی‌خبر هستند.

چون خوشبختانه پس از مدت‌ها انتظار مقالاتی ممتّع تحت عنوان «مُثَابَرَةُ أَعْلَامِ الإِمَامِيَّةِ فِي حِفْظِ وَإِحْيَاءِ تَرَاثِ الطَّائِفَةِ.. الشَّيْخِ الْهَمْدَانِيِّ نَمُودَجًا»، به قلم فاضل گرامی،

جناب شیخ محمد باقر انصاری زنجانی - دام فَضْلُهُ - ملاحظه شد که بر تفصیلی درخور دربارهٔ حیات و خدمات علمی و ثرائی شیخ شیر محمد جورقانی همدانی اشمال داشت و علی الخصوص سیمای معنوی این تراث پژوه راست کیش را به نحوی دلایز ترسیم می‌کرد،^۱ در بیخ دانستم خلاصه گونه‌ای از آن را به فارسی تحریر نکنم و به خادمان صادق میراث و مکتوبات امامیه - اَعْلَى اللّٰهُ کَلِمَتَهُمْ - اتحاف نمایم.

چون به بُستانِ رسی زیبا و خَوش دامنِ خَلْقان سوی بُستان بگش

۲. شیخ شیر محمد بن صفر علی بن شیر محمد جورقانی، به مولد، همدانی است، و به مسکن و مدفن، نجفی.

وی در محرم سال ۱۳۰۲ ق در دیه «جورقان» که بر یک فرسخی همدان و بر سر راه تهران واقع گردیده است، زاده شد. در ربیع الأول سال ۱۳۳۸ ق به نجف اشرف کوچید و الباقی عمر را در آن سامان مقدّس به سر بُرد، تا سرانجام در ۲۸ جمادی الآخرة سال ۱۳۹۰ ق در ۸۸ سالگی رخت به سرای بقا کشید. گاه در تاریخ وفات او سال ۱۳۸۱ ق آورده‌اند که صحیح نیست.

او از خاندانی معروف به نجابت و تصلّب در محبّت و ولای اهل بیت رسول خدا - صلی الله علیه و آله - بود و با یکی از خاندان‌های علمی شهر خود وصلت کرد. دو پسر حاصل این وصلت بود که هر دو در خردی درگذشتند و لذا شیخ بلاعقب ماند. همسرش نیز بعد از وفات وی به ایران بازگشت و هشت سال پس از شیخ درگذشت.

شیخ شیر محمد مردی میانه بالا بود، با محاسنی پُرپشت. در آخر عمر به ضعف بصر مبتلا شده بود. کم سخن می‌گفت. از مردمان انزوا می‌جست و همواره بدانچه راجع به احیای تُراث بود اشتغال داشت. از همین رو در مجالسی که به کتاب و میراث گذشتگان ربطی نداشت حضور نمی‌یافت و از دوستانش می‌خواست کسی را به خانهٔ او نیاورند تا مزاحمتی برای اشتغال همواره‌اش پدید نیاید. این انزوا و گوشه‌گیری به هیچ روی شائبهٔ گرانجانی نداشت. در دیدار با مردم فروتن و گشاده روی بود. با بشاشت با دیگران مواجه می‌شد و در سلام گفتن پیشقدم بود. سنّت شرعی مصافحه را ترک نمی‌کرد.

در همهٔ کارهایش دقیق بود و جز با تکیه بر مبانی دینی و اعتقادی و اخلاقی به کاری اقدام نمی‌کرد. در گفتار و نوشتارش دقّت و ظرافتی ویژه داشت. خطّش نیکو و خوانا بود.

شیخ شیر محمد مقدمات و مبادی علوم را نزد شماری از علمای همدان بیاموخت. معلم و مَطْوَل را بر سید حسن شورینی خواند و قرائت سطوح را نزد شیخ محمد هادی طهرانی و سید عبدالحسین فاضل دزفولی همدانی به اتمام رسانید. پس از آن در سی و شش سالگی، به همراه شماری از همروزگاران - چون شیخ محمد انواری و برادرش شیخ حسین انواری و شیخ حیدر انصاری - به نجف اشرف کوچید.

در نجف اشرف در محضر عالمان آن روزگار این پایتخت علم و اجتهاد شیعی حضور یافت؛ مردانی چون آیه الله شیخ ضیاء الدین عراقی، آیه الله میرزا حسین نائینی، شیخ علی اصغر خطائی، سید محمد فیروزآبادی، شیخ مهدی مازندرانی. همچنین هم در رجال و هم در فقه نزد سید ابوتراب خوانساری دانش آموخت. از این همه حظی وافر اندوخت و به درجه اجتهاد رسید.

شیخ شیر محمد همدانی در علم و تحقیق پایگاهی رفیع یافته بود. از حاملان قرآن و حافظان اخبار بود و در عقائد و اخلاق تبحر داشت. به رغم آنکه دانش آموخته فقه و اصول به شمار می‌رفت و در این دو فن ژرفا روی کرده بود، فقه و اصول را وانهاد و مشتاقانه به احیاء میراث حدیثی و عقائدی پرداخت.

از فتاوی فقهی اوست؛ جواز تقلید ابتدائی از میّت، کفایت غسل‌های مستحب به جای وضو، عدم وجوب خمس در عصر غیبت، وجوب نماز جمعه، عدم جواز تصویر (صورتگری) حتی با دوربین عکاسی.^۲ وی دولت زمان خود را غاصب می‌دانست و لذا همکاری با دولت را ولو در وصل کردن برق و شناسنامه گرفتن ناروا می‌شمرد. با آنکه نان دولتی ارزان تر از نان بازاری بود و او نیز تنگدست بود، از خریداری نان دولتی اجتناب می‌کرد. دیگران را نیز به اجتناب از همکاری و هنبازی با دولت فرا می‌خواند و می‌گفت: اگر می‌توانستم از این آب که از قِبَل حکومت به خانه‌ها می‌آید استفاده نمی‌کردم. همین که شناسنامه نگرفت، برای او مشکلات عدیده‌ای پدید آورد. در سفر به ایران بدون گذرنامه از مرز گذشت. در هنگام دفن او نیز، نداشتن شناسنامه مشکل آفرین شد.

او خود می‌گفت: ما به نجف آمدم تا پنج شش سال اشتغال علمی داشته باشیم و بازگردیم، ولی قضیّه حجاب و اتحاد لباس در ایران از بازگشت منصرفمان کرد. شیخ حتی در امور جزئی مردم محتاطی بود. به خاطر چیزی که درباره اصل روغن نباتی شنیده بود، از روغن نباتی پرهیز می‌کرد.

تقوا و احتیاط شیخ سبب شده بود همگان او را مُعْتَمَد و محلّ اطمینان بدانند و حتّی اگر کسی می‌خواست مالی را به اولاد یا خویشان یا دوستان خود در نجف برساند، حواله را به شیخ می‌نوشت و او بود که پول را از حامل حواله می‌گرفت و به صاحبانش می‌رسانید.

مراجع بزرگی چون آیه الله حکیم، آیه الله سیّد عبدالهادی شیرازی و آیه الله خویی او را از مُعْتَمَدانِ خود قلمداد می‌کردند. مالکان نسخ خطّی هم - با همه سختگیری‌های معمول و معهود برخی از ایشان - با اطمینان خاطر نسخه‌های نادر را برای مقابله و استنساخ در اختیار او می‌نهادند.

شیخ شیر محمد سخت مراعی تقوا بود. از کسانی بود که نه به دنیا روی می‌آوردند و نه دنیا در دیده‌شان جلوه می‌کند. همواره نیز دیگران را به ترک دنیا اندرز می‌داد. با شیخ محمد علی خراسانی که به تقوا و پارسایی نامبردار بود دوستی و صمیمیت داشت. در آغاز اشتغالش به کار علوم دینی امر معاشش را یکی از آشنایان متقبّل شده بود. خود وی برای دریافت شهریه اقدامی نکرد تا عاقبت یکی از دوستانش دریافت شهریه و رساندنش را به وی عهده‌دار شد.

خانه‌ای بس حقیر گونه داشت. چون پای همسرش رنجور بود و این رنجوری او را از راه رفتن باز می‌داشت، شیخ خود در کارهای خانه به او یاری می‌رسانید. با آنکه خود تنگدست بود، در یاری رسانیدن به فقیران و ناتوانان مشتاقانه دست می‌گشود.

شیخ شیر محمد همدانی روحیه‌ای معنوی داشت. شاکر بود و ذاکر. بر ذکر مداومت و بر زیارات و مستحبات مواظبت می‌نمود و در اثنای نیایش و زیارت بسیار می‌گریست. کتاب‌های حدیثی را ارج ویژه می‌نهاد و مانند مصحف شریف احترام می‌نمود و حتّی کتب حدیث را با تجوید قرائت می‌کرد.

در دوستداری خاندان بُبُوت - علیه السّلام - قدمی راسخ داشت. هرگاه نام مولای ما، امیر مؤمنان علی - علیه السّلام - بر زبان می‌رفت، اشک او روان می‌شد و بسیار بر مظلومیت آن حضرت می‌گریست.

هر بامداد خاضعانه امیر مؤمنان - علیه السّلام - را زیارت می‌کرد. وقتی داخل صحن شریف می‌گردید، چندان با امیر مؤمنان - علیه السّلام - راز می‌گفت که به کَلّی از پیرامونیانش غافل می‌شد. در ایوان، مقابل ضریح مقدّس، می‌نشست و با حال خضوع و

بکاء، به استغراق، زیارت امین الله می خواند، آنسان که گذرندگان بر حال وی غبطه می خوردند.

هر شب آدینه برای زیارت سید الشهداء - علیه السلام - به کربلا می رفت. عادت داشت هر سال سفری به کربلا و کاظمین و سامراء کند و در هر یک از این شهرها ده روزی بماند.

یک بار از راه بصره و آبادان، به زیارت مشهد الرضا - علیه السلام - آمد. در این سفر حضرت معصومه - سلام الله علیها - را نیز در قم زیارت کرد. سپس به همدان رفت و چند ماهی آنجا بماند. مردی کم سفر بود. توفیق حج نیافت.

هر روز به توصیه طیب پیاده روی می کرد. عصرگاه از خانه بیرون می آمد و سبحة به دست دو ساعت و نیم قدم می زد. نماز می گزارد و پس از نماز باز پیاده برمی گشت. طول این مسیر به ده کیلومتر می رسید.

او در آغاز کار لمعه درس می داد و به بحث خمس و نماز جمعه و حج اشتغال داشت. همچنین در درس خویش به وعظ می پرداخت. ماجرای وفات شیخ را همسرش اینگونه حکایت کرده است: شیخ نماز مغرب و عشاء را بر بام خانه گزارد. سپس فرود آمد. دست شست و بر سر سفره نشست. انگشت در نمک نهاد و گفت: «بسم الله الرحمن الرحيم». سپس بر زمین افتاد و دیگر هیچ تکان نخورد.

نخست شیخ محمود، پسر شیخ معراج شریفی را، از وفات شیخ شیر محمد آگهی دادند. او شیخ علی اکبر همدانی و سید علی شاهرودی و سید مستنبط را باخبر ساخت. یکی از ایشان آن شب کنار جسد شیخ ماند. فردا صبح جمعی از علما به غسل و تکفین شیخ پرداختند. حدود سیصد نفر از خواص در تشییع وی حاضر آمدند. شیخ حسین انواری بر پیکر شیخ نماز گزارد و او را در وادی السلام نجف، در مقبره ای که ویژه همین شیخ حسین انواری بود به خاک سپردند.

از جانب علما، به ویژه آیه الله خوئی برای او مجالس فاتحه گرفتند. آیه الله شاهرودی خبر وفات شیخ را به همدان تلگراف نمود و نامه ای نیز در همین خصوص به برادر همسر شیخ، شیخ ابوطالب دینی، نوشت.

شیخ شیر محمد همدانی، از استادش سید ابوتراب خوانسای، و نیز از علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی اجازه روایت داشت.

۳. شماری از هم‌روزگاران با تقدیر و احترام فراوان از او یاد کرده و دانش بسیار و تنبّع فراخ‌دامنه و پرهیز و پارسایی و وثاقت و کوشایی وی را در احیای ثراث یاد کرده‌اند.

علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی گفته است: «عالمی پرهیزکار و فاضلی جلیل‌القدر است که از همه دروسش بهره‌اوفر برده، و همچنین از ثقات و نیکمردان نامبردار به عبادت و دیانت به شمار می‌رود».

علامه شیخ محمد هادی امینی گفته: «عالمی فاضل و مجتهدی جلیل‌القدر و مؤلفی جستجوگر و محقق پارسا و پرهیزکاری شایسته و یکی از ثقات و نیکمردان نامبردار به عبادت و دیانت و پارسایی بود».

علامه سید محمد حسین حسینی جلالی گفته است: «شیخ در زهد و پارسایی و بردباری و پایداری در راه احیای ثراث شیعه، آیتی بود».

شیخ شیر محمد همدانی، اهتیت نُسَخِ حَطّی را در حفظ اصالت عقیدتی و اجتماعی امت، با همه وجود دریافته بود، و به ثروت عظیم علمی و دینی و تاریخی مُدَخَّر در دستنوشته‌های پیشینیان و قوف کامل داشت و از همین روی حفظ و احیای میراث مکتوب گذشتگان را به دیدهٔ مسؤولیت می‌نگریست.

وی علی‌الخصوص به برخی تألیفات حدیثی بس کهن نظر داشت که به سبب احتوا بر مأثوراتی از معصومان - علیهم‌السلام - از منابع بنیادین عقیدت و شریعت به حساب می‌آمدند و رجوع به این مَصَنُفَاتِ اصیل از برای بازفهمی و بازشناسی مذهب اهل بیت - علیهم‌السلام - ضرورتی انکارناپذیر بود.

شیخ همدانی می‌دانست کثیری از کتاب‌های شیعه هنوز به چاپ نرسیده و در کتابخانه‌ها در اختیار عموم قرار نگرفته و همچنان در کنج گنجینه‌های کتب خطی مانده است؛ حال آنکه محافل فکری و علمی و دینی و کتابخانهٔ امت اسلامی تشنه کام ظهور و حضور این متون و بهره‌گیری از آنهاست.

در نظر وی چارهٔ این مشکل یک چیز بود: «کتابت». شیر محمد همدانی این تنبّه را نه فقط از رهگذر عقل، که از راه نقل نیز حاصل کرده و در آن مرهون فرهیزش شیعی خویش بود.

در توحید مُفَضَّل از قول امام صادق - علیه‌السلام - دربارهٔ «کتابت» می‌خوانیم: «بها تقیّد أخبار الماضین للباقیین، و أخبار الباقیین للآتیین، و بها تخلص الکتب فی العلوم و

الآداب و غیرها...؛ ولولاه لاتقطع أخبار بعض الأزمنة عن بعض...، ودرست العلوم، وضاغت الآداب، و عظم ما يدخل على الناس من الخلل في أمورهم...، و ما يحتاجون إلى النظر فيه من أمر دينهم، و ما روی لهم مما لايسعهم جهله...»^۳.

(یعنی: به وسیله کتابت، اخبار گذشتگان برای بازماندگان، و اخبار بازماندگان برای آیندگان، ضبط می شود، و به وسیله کتابت، در حیطه علوم و آداب و جز آن، نوشتارها ماندگار می گردد...، و اگر نباشد هر آینه اهل برخی روزگاران، از اخبار برخی روزگاران دیگری خیر مانند، و دانش ها ناپدید شود، و آداب نابود گردد، و به کارهای مردمان... و آنچه در کار دینشان حاجتمند نظر در آن اند و آنچه از بر ایشان نقل گردیده و از دانستنش ناگزیراند، خللی عظیم رسد...)

همچنین در ترغیب به کتابت از امام صادق - علیه السلام - منقول است که فرمودند: «اكتبوا فإتكم لاتحفظون إلا بالكتاب»^۴ (یعنی: بنویسید که جز با نوشتار حفظ نمی توانید کرد).

و نیز: «دخَلَ عَلَيَّ أَناسٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ فَسَأَلُونِي عَنْ أَحاديثٍ وَ كَتَبُوهَا فَمَا يَمْتَعِكُمْ مِنَ الْكِتابِ؟ أَمَا إِنَّكُمْ لَنْ تَحْفَظُوا حَتَّى تَكْتُبُوا»^۵ (یعنی: گروهی از اهل بصره بر من وارد شدند و درباره احادیثی از من پرسش نمودند و بنوشتندش. چه چیز شما را از نوشتار مانع می آید؟ هان! تا ننویسید هرگز حفظ نتوانید کرد).

شیخ همدانی به درستی دریافته بود که در مفقود و نابود شدن کثیری از متون قدیم عوامل مختلفی دخالت داشته و یکی از مهمترین این عوامل، جمود حرکت استتساخ است. تعطیل یا ندرت استتساخ سبب می شد نسخه های قدیم، بی آنکه رونوشت تازه ای از آنها برداشته شده باشد، در معرض زوال و تلف واقع گردند و بدین ترتیب شماری از متن های کهن به مرور از میان بروند.

شیخ شیر محمد همدانی با تنبّه بدین معنا و به آهنگ حفظ و صیانت میراث علمی و حدیثی شیعه به جستجوی دستنوشته های کرامند می پرداخت و هر جا به چنین نسخه هایی باز می خورد در صورت امکان به استتساخ و تحقیق آنها دست می یازید. بدین ترتیب افزون بر پنجاه سال از عمر شریف شیخ، مصروف بازجستن و رونویسی و احیاناً مهیای طبع ساختن کتاب های نفیس قدما و دستنوشته های نادر شد. چه جای شکفتی؟!... که او پرورده مکتبی است که امام حسن مجتبایش - علیه السلام - به فرزندان و برادر زادگان خویش فرموده است: «إِنَّكُمْ صِغارُ قَوْمٍ وَ يوشك أن

تَكُونُوا كِبَارَ قَوْمٍ آخَرِينَ فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ، فَمَنْ يَسْتَطِيعُ مِنْكُمْ أَنْ يَحْفَظَهُ فَلْيَكْتُبْهُ وَلِيَضَعَهُ فِي بَيْتِهِ»^۶ (یعنی: شما خردانِ قومی هستید و دیر نماند که بزرگان قومی دیگر شوید. پس دانش را بیاموزید. هر کس از شما می‌تواند حفظش کند پس باید آن را بنگارد و در خانه‌اش بنهد).

و امام جعفر صادق - علیه السلام - فرموده: «اَحْتَفِظُوا بِكُتُبِكُمْ فَإِنَّكُمْ سَوْفَ تَحْتَاجُونَ إِلَيْهَا»^۷ (یعنی: کتابها را نگاه دارید که زودا بدان‌ها نیازمند شوید).

شیخ شیر محمد همدانی در روزگاری می‌زیست که صنعت چاپ حضور و ظهوری چشمگیر یافته بود، و کتاب چاپی با شمارگان معتابه و نفوذ دامنه‌دارش در اجتماع، جلوه‌گری می‌کرد. در این اوضاع و احوال، لزوم استنساخ و تحقیق و آماده‌سازی منابع شیعی به نحوی که مهیای طبع و نشر گردد، ضرورتی بود که شیخ همدانی بخوبی دریافت و آن را چونان مسؤلیتی در قبال علوم و معارف مذهب اهل بیت - علیهم السلام - بر دوش خویش احساس کرد.

خداوند مجاهدت کسانی چون شیخ شیر محمد همدانی را که با همه توش و توان در راه نشر میراث اندیشگی مسلمانان کوشیده‌اند، اینگونه بر زبان پیامبر گرامی اش - صلی الله علیه و آله - آفرین و سپاس گفته است:

«الْمُؤْمِنُ إِذَا مَاتَ وَتَرَكَ وَرَقَةً وَاحِدَةً عَلَيْهَا عِلْمٌ، تَكُونُ تِلْكَ الْوَرَقَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سِتْرًا فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ، وَأَعْطَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِكُلِّ حَرْفٍ مَكْتُوبٍ عَلَيْهَا مَدِينَةً أَوْسَعَ مِنَ الدُّنْيَا سَبْعَ مَرَّاتٍ.»^۸

(یعنی: هرگاه مؤمن در حالی که بمیرد که یک برگه که بر آن علمی باشد بر جای نهد، روز رستاخیز آن برگه میان او و آتش حائل گردد، و خدای - تبارک و تعالی - به هر حرف که بر آن برگه نوشته شده باشد، او را شهری عطا کند که هفت بار فراخ‌تر از دنیا باشد).

همچین از رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - منقول است که فرمود:

«... مَنْ كَتَبَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - عَلَيْهِ السَّلَام - لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا بَقِيَ لِنَيْلِكَ الْكِتَابَةِ رَسْمٌ...، وَمَنْ نَظَرَ إِلَى كِتَابَةٍ فِي فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اِكْتَسَبَهَا بِالنَّظَرِ...»^۹

(یعنی: هر که فضیلتی از فضائل علی بن ابی طالب - علیه السلام - را بنگارد، مادام که نقشی از آن کتابت بیاید، پیوسته فرشتگان از برای وی آمرزش می‌خواهند، و هر که به

مکتوبی درباره فضائل او بنگرد، خداوند آن گناهاش را که به نگرستن مرتکب گردیده است، بیامزد).

و شیر محمد جورقانی همدانی یکی از فضائل نگاران مولی الموالی - صلواتُ الله وسلامُهُ علیه - بود.

۴. تراویدهای کلک همایون شیخ همدانی بردو قسم‌اند: یک قسم آنچه خود تألیف فرموده و قسم دیگر آنچه به قصد حفظ و احیاء میراث پیشینیان به دست خویشتن استتساخ کرده است.

تألیفات شیخ - با احتساب تحریر تقریرات و منتخبات و تعلیقات تألیفی وی - از این قرار است:

۱. کلمة الحق

دست‌نوشته این کتاب در دو مجلد و بالغ بر هزار صفحه به خط مؤلف در کتابخانه سید محمد نبوی در شهر دزفول است (و تصویر آن، هم در مرکز احیای میراث اسلامی در قم، و هم در کتابخانه تخصصی امیرالمؤمنین - علیه السلام - در مشهد هست).

موضوع کلمة الحق، فضائل امیرمؤمنان علی - علیه السلام - و بیشترین این فضائل منقول از طُرُق خاصه است.

در مجلد نخست آن، روایات مناقب تبویب نشده‌اند، لیک مجلد دوم در ده فصل است از این قرار:

اول: درباره طُرُق حدیث نبوی «مثل اهل بیتی...».

دوم: درباره طُرُق حدیث نبوی «أعطاهم الله فهمی و علمی».

سوم: درباره طُرُق حدیث نبوی «إِنَّهُمْ لَا يَدْخُلُونَكُمْ فِي بَابِ ضَلَالٍ».

چهارم: در این باره که «أهل ذکر» ائمه - علیهم السلام - اند.

پنجم: در باب آنچه خدا و پیامبرش مبنی بر همراهی با امامان - علیهم السلام - واجب گردانیده‌اند.

ششم: درباره بخشی از اخبار رسیده در باب ولایت امیرمؤمنان - علیه السلام .

هفتم: درباره شماری از اخبار رسیده در باب وجوب طاعت امامان - علیهم السلام .

هشتم: درباره شماری از اخبار شفاعت.

نهم: درباره شماری از اخبار رسیده در باب پیروان و امامان - علیهم السلام - و

معتقدان به امامت ایشان.

دهم: درباره شماری از اخبار رسیده در باب دوستداران اهل بیت - علیهم السلام.

۲. تحریر تقریرات استادان شیخ در فقه و اصول

وی در اوائل ورود به نجف کتابی در باب حجّیت ظنّ و استصحاب و خبر واحد نوشته و آن را به صورت «قال الأستاذ:....، أقول:....» مرتّب گردانیده است، لیک چون پس از آن اوقات خویش را بیشتر مصروف عقائد و حدیث و دستنوشته‌های متون کرده، این تالیف ناتمام و ناویراسته و بی‌تبویب بر جای مانده است.

۳. حاشیه بر فهرست شیخ طوسی (رجال - کتابشناسی).

۴. حاشیه بر رجال نجاشی.

۵. حاشیه بر هدایة.

۶. حاشیه بر نهج البلاغه.

۷. حاشیه بر کتاب حُجّة الذّاهب إلى إيمان أبي طالب عليه السلام

۸. مستدرک الإيقاظ من الهجعة.

الإيقاظ من الهجعة از مؤلفات نفیس شیخ حرّ عاملی - رضوان الله علیه - و در باب رجعت است. شیخ شیر محمد در این مستدرک آنچه را که از قلم جناب شیخ حرّ فوت شده بوده، گردآوری فرموده است.

نسخه این مستدرک در کتابخانه امام امیرالمؤمنین - علیه السلام - در نجف اشرف موجود است.

۹. سند الخصام

این کتاب در دو مجلد و مشتمل بر منتخباتی است که شیخ فقید غالباً از مُسند احمد بن حنبل فراهم آورده است. انتخابگر در پایان مجلد دوم، به انتهای جزء ششم اصل کتاب که همانا طبع نخست مُسند احمد باشد، رسیده.

نسخه هر دو مجلد سند الخصام در کتابخانه امام امیرالمؤمنین - علیه السلام - در نجف موجود است.

۱۰. منتخب ربيع الأبرار زَمَخْشَرِي

نسخه آن در کتابخانه امام امیرالمؤمنین - علیه السلام - در نجف است.

۱۱. منتخب المجموع الرّائق من أزهار الحدائق

این منتخب را بنا بر دستنوشتی عتیق که چه بسا سیصد سال پیش کتابت شده بوده

است، فراهم آورده. نسخهٔ منتخب در کتابخانهٔ امام امیرالمؤمنین - علیه السلام - در نجف موجود است.

۱۲. اخبار برگزیده از البیان و التبیان جاحظ

این منتخب را بنا بردستنوشتی از آن کتاب که مورخ ۱۰۱۸ ق بوده است فراهم آورده. نسخهٔ منتخب در کتابخانهٔ امام امیرالمؤمنین - علیه السلام - در نجف نگهداری می‌شود.

۱۳. احادیث برگزیده از المستدرک علی الصحیحین حاکم
دستنوشت آن در کتابخانهٔ امام امیرالمؤمنین - علیه السلام - در نجف است.

۱۴. احادیث برگزیده از الاستیعاب ابن عبدالبرّ
دستنوشت این منتخب که بنا بر چاپ نخست کتاب الاستیعاب (ط. حیدرآباد، ۱۳۱۸ ق) فراهم آمده است، در کتابخانهٔ امام امیرالمؤمنین - علیه السلام - در نجف موجود است.

و اما:

دست‌آورد تکاپوهای شیخ شیر محمد همدانی در راه استنساخ متون علمی و دینی، رونوشت بیش از یکصد متن از اهم آثار میراث اسلامی بوده است.

علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی می‌گوید: «وی از سال‌ها پیش شیفتهٔ نسخه برداری از کتاب‌های حدیثی چاپ نشده و احیاء مؤلفات اکابر امامی سده‌های گذشته بوده، و در این راه رنج بسیار دیده و مشقت‌های گوناگون کشیده است. توفیق یافته قریب به چهل تألیف خرد و کلان از آثار نیکو و کتب مهم را کتابت کند و آنچه نوشته به امتیاز دقت و صحت آراسته است. هر دستنوشت را با چند دستنوشت سنجیده و این مؤلفات جلیل را مضبوط و از نابودی و اتلاف محفوظ داشته است. از این رهگذر او را بر عاشقان این فن و رجال این علم که پس از وی می‌آیند، حق و فضل است.»

علامه سید محمد حسین حسینی جلالی می‌گوید: «در طول آشنائیمان او را در محفلی که سودی برای ثراث نداشته باشد، ندیدم. در استنساخ و مقابله کوشا بود، تا بدانجا که اگر [میان نسخه‌ها] اختلاف چشمگیری می‌یافت، دوباره استنساخ می‌کرد؛ چنانکه در باب کتاب سئیم بن قیس هلالی چنین کرد و چهار بار - افزون بر مقابله‌های متعدّد - این کتاب را استنساخ نمود.»

شیخ شیر محمد همدانی کار استنساخ را در درازنای پنجاه سال پی گرفت. این کوشش چشمگیر و بیگیر، نمودار ریشه‌های عمیق این کار در باور و اندیشه و بینش وی بود. او از سال ۱۳۲۸ ق که به نجف آمد تا سال ۱۳۸۹ ق - یعنی یک سال پیش از وفاتش و در نزدیک به نود سالگی - بدین امر اشتغال داشت و حتی در سفر به کربلاء و کاظمین و سامراء نیز کار خود را تعطیل نمی‌کرد.

شیخ شیر محمد در استنساخ و حفظ و احیاء ثراث، می‌کوشید منابعی از متون شیعه را که اهمیت بیشتر داشتند اختیار نماید. او با تصلب در عقیده و تفقه در دین، کتاب‌های حدیث و تاریخ را در این میان مقدم می‌داشت.

از برای دلالت بر دقت نظری در انتخاب اهم و مهم، همین بس که از یکصد و هفت کتاب استنساخ شده به دست او، شصت و پنج کتاب از منابع درجه یک حدیث شیعیان و متشیعیان و همه از مصادر بحار الأنوار اند. که برخی از آنها یا در همین سال‌های اخیر به طبع رسیده و یا با همه حاجتی که بدان‌ها بوده است هنوز طبع نشده. بعضی هم پس از آنکه بنا بر نسخه شیخ شیر محمد در نجف اشرف به طبع رسیده است، دیگر چاپ نشده. فهرست شصت و پنج کتاب حدیثی و تاریخی مذکور از این قرار است:

۱. اثبات الرجعة، فضل بن شاذان.
۲. الاختصاص، منسوب به شیخ مفید.
۳. کتاب الأربعین، شیخ منتجب الدین بن بابویه.
۴. کتاب الأربعین، جمال الدین یوسف بن حاتم شامی.
۵. الإستخارات، ابن طاووس.
۶. الأصول الستة عشر.
۷. الإفصاح شیخ مفید.
۸. إلیزام النَّاصب، صیمری (مفلح بن حسن).
۹. الامالی، شیخ مفید.
۱۰. ایضاح دفتان التواصب، محمد بن احمد بن شاذان.
۱۱. الإیقاظ، شیخ حرّ عاملی.
۱۲. بشارة المصطفی صلی الله علیه و آله لشیعة المرتضی علیه السلام، محمد بن ابی القاسم طبری.

١٣. تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، سيّد شرف الدّين نجفى.
١٤. تفسير عيّاشى.
١٥. تفسير فرات كوفى.
١٦. التّمحيص.
١٧. ثاقب المناقب، ابن حمزة طوسى.
١٨. جامع الأحاديث، أبو محمد جعفر بن أحمد بن على قمى.
١٩. الجعفرينات (الأشعثيات).
٢٠. خصائص الأئمة عليهم السّلام، سيّد رضى.
٢١. دعائم الإسلام، قاضى نَعْمَان.
٢٢. دعوات، راوندى.
٢٣. دلائل الإمامة، طَبْرى.
٢٤. رجال برقى.
٢٥. رسالة أبى غالب الرّزارى.
٢٦. سعد السّعود، ابن طاووس.
٢٧. شرح عقائد الصّدوق، شيخ مفيد.
٢٨. صحيفة الإمام الرّضا - عليه السّلام.
٢٩. الصّراط المستقيم، بياضى (على بن يونس).
٣٠. صفات الشّيعّة، شيخ صدوق.
٣١. طُرْف، ابن طاووس.
٣٢. عيون المعجزات، حسين بن عبد الوهّاب.
٣٣. الفرقة النّاجية، قطينى (إبراهيم بن سليمان).
٣٤. الفصول المختارة، سيّد مرتضى.
٣٥. فضائل الشّهور الثلاثة، شيخ صدوق.
٣٦. فضائل الشّيعّة، شيخ صدوق.
٣٧. فلاح السّائل، ابن طاووس.
٣٨. قُرب الإسناد، حميرى (عبد الله بن جعفر).
٣٩. كامل الزّيارات، ابن قولويه.
٤٠. كتاب درست بن أبى منصور.

۴۱. کتاب الزهد، اهوازی (ابو محمد حسین بن سعید بن حمّاد بن مهران).
۴۲. کتاب سلام بن أبی عمرة (عميرة)، از أصول أربعمائة.
۴۳. کتاب سلیم بن قیس هلالی.
۴۴. کفایة الطالب، کنجی (أبو عبد الله محمد بن يوسف قرشي شافعی).
۴۵. مثير الأحران، ابن نما.
۴۶. المحاسن، برقی (احمد بن ابی عبد الله).
۴۷. المختصر، حسن بن سليمان بن محمد حلی.
۴۸. مختصر البصائر، حسن بن سليمان.
۴۹. مختصر المواید.
۵۰. المزار، ابن مشهدی.
۵۱. المسائل العکبریّه در الحاجیّه شیخ مفید.
۵۲. المسائل العشرة فی الغیبة، شیخ مفید.
۵۳. المُستَرشد، طبری (ابو جعفر امامی).
۵۴. مُستَطرفات السرائر، محمد بن ادريس حلی.
۵۵. المسلسلات، قمی (ابو محمد جعفر بن احمد).
۵۶. مشکاة الأنوار، طبرسی.
۵۷. مُصادقة الإخوان، ابن بابویه.
۵۸. مصباح الأنوار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السّلام.
۵۹. مصباح الزائر، ابن طاووس.
۶۰. مقتضب الأثر، احمد بن محمد بن عیاش.
۶۱. المناقب و المثالب، قاضی نعمان مصری.
۶۲. نهج الإيمان، ابن جبر (شیخ زین الدین علی بن یوسف).
۶۳. نوادر علی بن أسباط، از أصول أربعمائة.
۶۴. الهدایة الکبرا، خصیبی (حسین بن حمدان).
۶۵. الیقین، ابن طاووس.

۵. شیخ شیر محمد طیّ سالها سروکار داشتن با دستنوشتهها، دربارهٔ نسخ و ویژگیهای آنها آگاهی و تجربه فراوان حاصل کرده بود.

او در پی نسخه‌های معتبر و مهم در نجف و کربلا و کاظمین و سامراء به جستجو می‌پرداخت. هم به کتابخانه‌ها سر می‌زد، هم به خانه‌های عالمان. مالکان نسخ خطی هم به سبب اعتمادی که به وی داشتند، دستنوشته‌های ملکی خود را برای نسخه برداری در اختیار او می‌گذاشتند.

شیخ شیر محمد احياناً در رونوشت‌هایی که فراهم می‌کرد، جای نسخه‌ی اساس استنساخ و نام مالک آن مثلاً: شیخ عباس قمی، سید حسن صدر، شیخ اردوبادی یا شیخ سماوی، را یاد می‌نمود. خصوصیات نسخه‌ی اساس را - اعم از اسم ناسخ و تاریخ استنساخ و حتی تاریخ وقف و نام واقف و ملحقات و تعلیقات نسخه - به دقت ثبت می‌کرد. همچنین یادداشت می‌کرد که خود نسخه را کی و کجا استنساخ کرده و چه کسی در کتابت و مقابله او را یاری داده است. به مقابله و اصلاح نسخه‌ها اهمیت می‌داد و گاه یک متن را با چند نسخه مقابله می‌کرد. احياناً تعلیقاتی بر رونوشتی که فراهم می‌ساخت می‌نوشت و مؤیداتی را که برای احادیث سراغ داشت در هامش کتاب یادداشت می‌کرد.

با خبرتی که در کار خویش داشت، می‌کوشید دستنوشته‌های قدیم و قیّم و واجد مزایای ثرائی را ملاک و مبنای استنساخ یا مقابله قرار دهد؛ نمونه را:

۱. کتاب درست بن منصور را از روی نسخه‌ای استنساخ کرد که آن از روی نسخه‌ای که به سال ۳۷۴ ق به نحو سماع از تلکبری با نسخه‌ی اصل مقابله شده بوده است، کتابت شده بود.

۲. مقتضب الأثر را با نسخه‌ای که از روی نسخه‌ی مورّخ ۵۷۵ ق نوشته شده بود، مقابله کرد.

۳. کتاب سُلیم را از روی نسخه‌ای نوشت که آن نسخه از روی نسخه‌ی مورّخ ۶۰۹ ق کتابت شده بود.

۴. کتاب الأربعین شیخ منتجب الدین را از روی نسخه‌ای استنساخ کرد که آن نسخه از روی نسخه‌ی مورّخ ۶۱۳ ق کتابت گردیده بود.

۵. استنساخ کتاب الأستخارات ابن طاووس را از روی نسخه‌ای انجام داد که آن نسخه خود از روی دستنوشتی بس قدیم و چه بسا متعلّق به زمان مؤلف - یعنی سال ۶۶۰ ق -، نوشته شده بود.

۶. فلاح السائل را از روی نسخه‌ای استنساخ کرد که آن نسخه از روی دستنوشتی

- مورّخ ۶۶۳ ق - یعنی عصر خود مؤلف - کتابت گردیده بود.
۷. نسخه مبنای استنساخ کتاب الأربعین محمد بن زهره دستنوشتی به خط مؤلف بود که تاریخ ۸۶۰ ق. داشته است.
۸. مختصر علاء بن رزین را از روی نسخه‌ای استنساخ کرد که از روی دستنوشته شهید اول مورّخ ۸۶۰ ق نوشته شده بوده و نسخه شهید خود از روی خط ابن ادریس استنساخ گردیده بوده است.
۹. استنساخ کفایة الطالب را از روی نسخه‌ای انجام داد که تملّکی به تاریخ ۸۸۷ ق و تملّکی دیگر به تاریخ ۹۵۷ ق بر آن بود.
۱۰. نسخه مبنای استنساخ الفرقة النّاجية، دستنوشتی مورّخ ۹۵۱ ق بود.
۱۱. صحیفه الرضا - علیه السلام - را از روی نسخه‌ای مورّخ ۹۷۱ ق و نسخه‌ای دیگر مورّخ ۹۴۸ ق و نسخه‌ای دیگر مورّخ ۱۰۴۴ ق کتابت نمود.
۱۲. رساله صاحب بن عبّاد را درباره نَسَب حضرت عبدالعظیم - علیه السلام - از روی دستنوشتی به خط ابن المحاسن استنساخ کرد.
۱۳. کتاب الأربعین را از روی دستنوشتی عتیق نوشت که تاریخ وقف آن ۱۰۳۹ ق بوده است.
۱۴. استنساخ کتاب الأربعین ابن حاتم شامی را بر مبنای دستنوشتی عتیق انجام داد که در کتابخانه شیخ نجف آبادی موجود بود.
۱۵. تأویل الآیات را بر مبنای نسخه‌ای کتابت کرد که بر دیگر نسخه‌ها زیادت داشت.
۱۶. کتابت ثاقب المناقب را بر اساس دستنوشتی عتیق انجام داد که بر روی آن تصریح صاحب أسرار الأمامة (حسن بن علی طبری) به نسبت کتاب به مؤلفش، مذکور بود.
۱۷. قرب الإسناد را از روی دستنوشتی کتابت کرد که با نسخه مورّخ ۱۰۳۳ ق - به خط زین الدّین عاملی - مقابله شده بود.
۱۸. محاسن برقی را بنابر سه نسخه مقابله و تصحیح کرد که یکی از آنها مورّخ ۱۰۷۷ ق و دیگری مورّخ ۱۰۸۸ ق بوده است.
- برای کسی که در کار احیاء ثراث است، طبیعی است با خبرگان این فن مرتبط باشد. شیخ شیر محمد از این قاعده مستثنا نبود و با گروهی از معروف‌ترین کتابشناسان و

ثراث پژوهان روزگار خود مرتبط بود، کسانی چون :

۱. میرزا محمد طهرانی، صاحب کتابخانه معروف در سامراء.

۲. شیخ عبدالحسین طهرانی، صاحب کتابخانه معروف در کربلاء.

۳. شیخ محمد علی غروی اردو بادی.

۴. سید عبدالرزاق موسوی مقرر.

۵. سید حسن صدر.

۶. شیخ آقا بزرگ طهرانی.

۷. سید صادق آل بحر العلوم.

۸. سید احمد مستنبط.

۹. شیخ عبدالحسین امینی.

۱۰. شیخ محمد سماوی.

شیخ شیر محمد به سبب دقت و جدیتی که در کار خویش داشت، خود را از مقابله نسخ مختلف بی نیاز نمی دید و به یک نسخه بسنده نمی کرد و از این رهگذر بر صحت رونوشت های خود می افزود. کار مقابله محتاج بردباری بسیار و همت پیگیر است و شیخ شیر محمد گاه ناگزیر بود در کار مقابله از دیگران یاری بگیرد. برخی از کسانی که او را در کار مقابله مساعدت کرده و او به نام ایشان تصریح نموده است، از این قرارند:

۱. سید احمد مستنبط

۲. سید حسین همدانی

۳. شیخ معراج همدانی

۴. شیخ حسن علی همدانی

۶. تکاپوی شیخ شیر محمد در استنساخ دستنوشته های کهن و نادر، مقارن بود با رونق گرفتن صناعت چاپ و ظهور چاپخانه ها. شاید همین امر نیز شوق افزای وی در کار استنساخ و مهیا سازی نسخه ها می بود؛ چرا که رونوشت هایی که او از متن های قدیم فراهم می ساخت، در عرضه بهتر کتاب ها اثر می گذاشت و بسا که چاپ متنی بنا بر رونوشت شیخ شیر محمد یا با مقابله با رونوشت او و یا لاقلاً با استفاده از افادات او در باب کتاب مورد نظر و نسخه آن صورت می گرفت.

صاحب مطبعه حیدریه در نجف، شماری از متون قدیم را با بهره گیری از نسخه های

شیخ شیر محمد به طبع رسانید. برخی ناشران طهران هم در چاپ کتاب‌ها از رونوشت‌های شیخ بهره گرفتند. در مقدمه یا پایان پاره‌ای از این کتاب‌ها به مشارکت شیخ شیر محمد در مهیا شدن متن اشاره شده است؛ در پاره‌ای نیز مسکوت مانده... در پایان المسلسلات ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی که به سال ۱۳۶۹ ق در طهران چاپ شده، آمده است:

«يقول شیر محمد بن صفر علی الهمدانی الجورقانی: هذا تمام ما فی النسخة الّتی نسخت هذه النسخة منها، و اتفق لی الفراغ فی السّادس والعشّرين من جمادی الثّانیة سنة ۱۳۵۲ من الهجرة المقدّسة، بمشهد سیّدی و مولای علی بن ابی طالب علیه السّلام. يقول شیر محمد: فتقابلت هذه النسخ بنسخة عقیقة، لعلّها کتبت منذ ستمائة سنة أو ما قاربها، و هی أصل أصل هذه النسخة.

يقول شیر محمد: ثمّ عثرتُ علی نسخة الأصل، و هی مطابقة للمتن.»
در پایان فلاح السائل ابن طاوس که در طهران طبع گردیده است، آمده:
«بخطّ الشّیخ شیر محمد الهمدانی فی سنة ۱۳۵۷، و کان فیها زیادات مفقودة فی الأوّلی، أثبتنا بعضها بین الهمدانی، فقابلناهما معاً، فخرج من الطّبع علیّ أصحّ ما یمکن.»
در پایان تفسیر فوات طبع نجف آمده:

«يقول الفقیر إلى الله الغنیّ شیر محمد بن صفر علی الهمدانی الجورقانی: هذا تمام ما فی النسخة الّتی نسخت هذه منها إلاّ قليلاً من أولها نسخته من نسخة أخرى، و اتفق الفراغ بعون الله تعالی فی الثّامن من شهر رجب من السنّة الرّابعة والخمسين بعد الثلاثمائة و الألف من الهجرة المقدّسة، بمشهد سیّدی و مولای امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام.

أقول: نسخة الأصل للشّیخ محمد علی الغرویّ الأردوبادی، الّتی انتسخها فی سنة ۱۳۳۴.»

در دلائل الإمامة طبری که به سال ۱۳۸۳ ق در مطبعة حیدریّه نجف چاپ شده، آمده است:

«هذا آخرُ ما کان فی نسخة العلامّة الثّقة الشّیخ شیر محمد الهمدانی الجورقانی حَفَظَهُ الله تعالی.»

در پایان المحتضر شیخ حسن بن سلیمان حلّی که مطبعة حیدریّه نجف اشرف به سال ۱۳۷۰ ق چاپ کرده، آمده است:

«يقول الفقير إلى الله الغني، شير محمد بن صفر علي الهمداني الجورقاني: هذا تمام ما في النسخة التي نسخت هذه منها، واتفق الفراغ بعون الله تعالى يوم الجمعة السادس والعشرين من شهر ذي الحجة من سنة ١٣٦٢، بمشهد سيدي و مولاي أمير المؤمنين عليه السلام.»

در آغاز المُستَرشدِ طبري كه مكتبة حيدريّة نجف طبع کرده است، آمده :
 «إنَّ أقدمَ نسخةٍ من الكتاب موجودة عند العالم الفاضل السيّد آغا التّستري، و نسخة تامّة منه في مكتبة الحسينيّة الشّوشترية بالنّجف، فاستنسخ عليها الفاضل الثّبت الثّقة الشيخ شير محمد الهمداني الجورقاني، و قابلها مع النسخة الأولى، و نسخ علي نسخته جماعة من أهل الفضل حتّى... طبع هذا الكتاب القيم علي النسخة التّامة.»
 در پايان نوادر راوندی طبع نجف آمده است:

«يقول الفقير إلى الله الغني، شير محمد بن صفر علي الهمداني الجورقاني: هذا تمام ما في النسخة التي نسخت هذه النسخة منها، و اتفق لي الفراغ بعون الله تعالى في غرة شهر ذي القعدة من سنة ١٣٦١، بمشهد سيدي أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام.»

در پايان الفصول العشرة في الغيبة شيخ مفيد كه در نجف چاپ شده، آمده است:
 «يقول الفقير إلى الله الغني، شير محمد بن صفر علي الهمداني الجورقاني: قد نسخت هذه النسخة إلى أوائل الفصل السادس من نسخة العالم الجليل الميرزا محمد الطهراني، المقيم بسامراء، و باقياها من نسخة العالم النبيل السيّد محمد صادق آل بحر العلوم، و اتفق لي الفراغ بعون الله تعالى يوم ١٤ من محرّم ١٣٦٣، بمشهد سيدي و مولاي أمير المؤمنين عليه السلام.»

در پايان طبع نجف الإفصاح في الإمامة شيخ مفيد آمده است: «صحّ مقابلةً من أوّله إلى تمامه علي نسخة العلامة الشيخ شير محمد بن صفر علي الهمداني الجورقاني - دام بقاءه.»

در پايان سعد السعود ابن طاووس كه به سال ١٣٦٩ ق در نجف طبع گرديده است، آمده :

«وقد قوبلت علي نسخة العلامة الجليل الشيخ شير محمد بن صفر علي الجورقاني - أدام الله ظلّه - في شهر ذي القعدة الحرام سنة ١٣٦٥ في النّجف.»

در آغاز طبع نجف كتاب سليم بن قيس آمده است: «هذه تحقيقات ثمينه و فوائد نافعة حوال كتاب سليم بن قيس الهلالي الكوفي، أفادها بعض الأساتذة من أهل التحقيق - أكثر»

دوره جدید سال دوم، شماره چهارم زمستان ١٣٨٣ (پیاپی ٢٧)

اللَّهُ في رجالِ العِلْمِ أَمْثَالُهُ و نفع به - و كان قد ألحقها بنسخته من الكتاب، و نظراً لما في هذه الفوائد و التحقيقات من الأهميّة حول كتابنا هذا مثلناها للنشر، شاكرين لهذا الأستاذ المحقق ما تفضّل به علينا من نسخه التي نسخها بخطه، و علّق عليها تعليقاته الثمينة، و هي التي نشرناها في هوامش الكتاب، فنسخته هذه هي غاية في الضبط و الإقتان، و تعدّ الأصل لنشر هذا الكتاب لأوّل مرّة.»

در آن زمان به سبب لزوم پرهیز و تقیّه، نام این محقق مُدقّق مورد تصریح قرار نگرفت، ولی بعدها تصریح گردید که او همان شیخ شیر محمد همدانی بوده است.

۷. شیخ شیر محمد در خانه خود کتابخانه‌ای کوچک داشت. در آن، شصت کتاب از کتاب‌های درسی متداول مثل لمعه و معالم و غیره بود، و مخطوطات وی. پس از وفات شیخ شیر محمد، کتاب‌های درسی را شیخ نصرالله خلخالی خریداری کرد و بر مدرسه بادکوبی وقف نمود. مخطوطات هم به کتابخانه امام امیرالمؤمنین - علیه السلام - که علامه امینی در نجف بنیاد نهاده بود منتقل گردید. البته شماری از مخطوطات وی نیز مانند ما نزل من القرآن فی أهل البیت علیهم السلام از جبری، علی الظاهر مفقود گردیده و به کتابخانه مذکور منتقل نشده است. فهرست تفصیلی نسخه‌های منتقل شده به کتابخانه را علامه آیه الله سیّد محمد حسین حسینی جلالی - مُدّظّلّه - فراهم ساخته است که در مجله تراثنا (شماره ۷۳ و ۷۴، صص ۱۷۴ - ۲۱۳) منتشر گردیده در آنجا می‌توان شمار دیگری از رونوشت‌های متون کهن را که به دست شیخ شیر محمد - رضوان الله علیه - کتابت گردیده و در این مقاله از آنها سخنی نرفت، ملاحظه کرد.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

پی‌نوشت‌ها

۱. اصل مقاله چاپ شده است در: فصلنامه تراثنا، شماره‌های اوّل و دوم سال نوزدهم (پیاپی: ۷۳ و ۷۴)، محرّم الحرام - جمادی الآخرة ۱۴۲۴ هـ. ق، صص ۱۲۵ - ۲۱۵.
۲. آیه الله حاج سیّد محمد علی روضائی - می‌فرمودند که در سفر به عتبات از دو نفر علی رغم میلم نتوانستم عکس بگیرم؛ یکی مرحوم شیخ شیر محمد جورقانی همدانی - به سبب همین رأی فقهی ایشان؛ و دیگر مرحوم علامه امینی

که در آن ایام گویا به سبب نشر الغدیر باید قدری محتاط می‌بود و تصویرش انتشار نمی‌یافت تا حتی المقدور از آزار برخی معاندان متعصب در امان باشد.

۳. بحار الانوار، ۸۲/۳.

۴. بحار الانوار، ۱۵۳/۲، به نقل از کتاب: عاصم بن حمید.

۵. بحار الانوار، ۱۵۳/۲، به نقل از کتاب: عاصم بن حمید.

۶. بحار الانوار، ۱۵۲/۲.

۷. بحار الانوار، ۱۵۲/۲.

۸. بحار الانوار، ۱۴۴/۲، به نقل از: أمالی صدوق.

۹. بحار الانوار ۱۹۶/۳۸ و ۱۹۷؛ و نیز سننج: بحار الانوار، ۲۲۹/۲۶.



شپه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی